

# سقوط اخوان المسلمین در مصر؛ ملاحظات تاریخی و نحوه عملکرد دولت مرسی

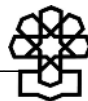
کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۳۱۲۴

مردادماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	بخش اول - کلیات
۱۱.....	بخش دوم - به قدرت رسیدن اخوان المسلمین و چالش‌های محمد مرسی
۲۰.....	بخش سوم - پیروزی مرسی، انتقاد به عملکرد اخوان و شکل‌گیری جریان‌های ضداخوانی
۲۹.....	جمع‌بندی



## سقوط اخوان المسلمین در مصر؛ ملاحظات تاریخی و نحوه عملکرد دولت مرسی

### چکیده

سرنوشتی دولت محمد مرسی رئیس‌جمهور مصر پس از یک سال حکومت، هرچند به دلیل ناتوانی در مدیریت صحیح و تلاش برای اخوانی کردن حکومت از طرف او و دیگر همراهانش در جماعت اخوان المسلمین صورت گرفت، اما رفتار ارتش مصر در برکناری وی و معرفی دولت موقت برای یک دوره انتقالی، بیانگر عمق شکاف سیاسی موجود در جامعه مصر است که طرف‌های خارجی به‌صورت گسترده بر آن تأثیر دارند. آنچه در مصر می‌گذرد، علاوه بر آنکه مسئله‌ای داخلی به‌شمار می‌رود، به شکل گسترده بر دیگر مسائل منطقه‌ای مانند بحران سوریه، فلسطین، روابط میان کشورهای عربی و سرنوشت نهایی اخوان المسلمین هم تأثیرگذار خواهد بود.

### مقدمه

عزل محمد مرسی از ریاست‌جمهوری مصر که پس از اعتراضات گسترده خیابانی در این کشور اتفاق افتاد به‌معنای شکست سنگین جنبش اخوان المسلمین در عرصه سیاست‌ورزی و کشورداری است. این واقعه از این نظر مهم است که اخوان المسلمین،

نه به عنوان یک حزب، بلکه به عنوان یک جریان هماهنگ سیاسی در جهان عرب و حتی جهان اسلام دارای پیروان، علاقمندان و همفکران زیادی است، این جریان سیاسی متشکل در دو سال اخیر یعنی بعد از پیروزی انقلاب‌های مردمی در چند کشور عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، در صدد نوعی شبه‌کشورگشایی با به دست گرفتن قدرت در این کشورها برآمد و تلاش‌هایی را برای قبضه کردن حاکمیت در بخش وسیعی از جهان اسلام به عمل آورد، اما حکومتی که آنها در مصر تشکیل دادند پایدار نماند و به سرعت از بین رفت. این امر مؤید آن بود که تفکر اخوان المسلمین در عرصه عملی سیاست نمی‌تواند حضور قدرتمندی داشته باشد. از بُعد دیگر باید توجه داشت که آنچه در مصر روی داد، علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن ترتیبات داخلی، دارای تبعات بین‌المللی بوده و در نهایت تأثیرات مستقیمی بر رفتار همه کشورهای منطقه خواهد داشت. با توجه به اهمیت تحولات مصر، گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی انتشار مجموعه‌ای از گزارش‌های کارشناسی در خصوص این تحولات را در دستور کار قرار داده است. گزارش حاضر به عنوان اولین گزارش از این مجموعه در صدد است تا ضمن کالبدشکافی زمینه‌ها و ریشه‌های تاریخی تحولات اخیر، به بررسی عوامل و دلایل شکل‌گیری اعتراضات در مصر، نحوه عملکرد دولت مرسى و در نهایت سرنگونی حکومت اخوان المسلمین بپردازد.



## بخش اول - کلیات

به منظور درک بهتر تحولات امروز مصر باید زیرساخت‌های تاریخی، سیاسی، اقتصادی و همچنین جایگاه و میزان قدرت نهاد دولت و ارتش در این کشور را شناخت. در این بررسی باید توجه داشت که آنچه در مصر امروز می‌گذرد، در واقع زیربنایی تاریخی و گذشته‌ای مشخص دارد. با درک این مشخصه‌ها؛ می‌توان شناخت بهتری نسبت به تحولات جاری داشت و تحلیل و تفسیر جامع‌تری از آن ارائه داد.

### ۱. بررسی تاریخی و روند دولت‌سازی در مصر

ساختار حکومتی در مصر، یک ساختار بیشتر نظامی به شمار می‌رود تا سیاسی. در این ساختار، به دلیل ماهیت و جایگاه این کشور در طول تاریخ، نظامیان نقش مهم و بلاواسطه‌ای دارند و از این رو، نقش‌آفرینی آنها در ساختار سیاسی نیز بیشتر است. در بررسی تاریخی تحولات اجتماعی و سیاسی در مصر، نکته‌ای ظریف وجود دارد که پیونددهنده تاریخ و سیاست در این کشور است. تا سال ۱۹۵۲ و کودتای افسران آزاد، به مدت بیش از ۲۵۰۰ سال بیگانگان و خارجی‌ها بر این کشور حکمرانی کرده‌اند و مصر، تابعی از تحولات بیرونی و پیرامونی خود بوده، تا یک نقش‌آفرین عملی منطقه‌ای. به ترتیب هخامنشیان، بطلمیوسی‌ان، رومیان، اعراب مسلمان، ممالیک بحری و بری (ترکان)، عثمانی‌ها و حکومت پادشاهی خدیوان که آلبانیایی‌تبار بودند، بر مصر حکمرانی کرده‌اند. در این فرآیند زبان مصری به زبان عربی تغییر یافت و فرهنگی ترکیبی با توجه به سنت‌های قدیمی و الگوهای رفتاری حکمرانان مهاجم در

این کشور شکل گرفت. از این رو باید گفت تاریخ تشکیل دولت جدید در مصر اندکی بیش از نیم قرن است. نکته مهم آنکه در همین مدت زمان کوتاه هم حکومت بیشتر در کنترل نظامیان بوده است.

در این الگوی تاریخی، مصر بیش از محیط داخلی از محیط پیرامونی خود تأثیر پذیرفته و حتی روند تشکیل دولت‌های ملی گذشته تابع شرایطی بین‌المللی بوده است که این مسئله مصر را به کشوری غیرقابل پیش‌بینی در منطقه تبدیل کرده است.

دولت در ساختار سیاسی مصر، یک دولت مدنی و برآمده از رأی مردم به شکل عمومی آن نیست و به همین علت، نهاد دولت نتوانسته و نمی‌تواند پایداری طولانی‌مدتی در هر بحران احتمالی داشته باشد. پس از سرنگونی نظام پادشاهی و شکل‌گیری حکومت افسران آزاد، همه افراد به واسطه کودتا و یا به دلیل مرگ رئیس‌جمهور قبلی به قدرت دست یافتند. بنابراین مردم مصر موفق نشدند تا تمرین دولتمداری و دمکراسی داشته باشند و اصولاً آنها با موضوع مهمی بنام انتخابات قهر بوده و هستند و به همین علت است که در زمان فعلی نیز میزان مشارکت آنها در انتخاباتی که آزاد به‌شمار می‌رود و فرصت حضور در آن وجود دارد، ناچیز است.

درواقع روند دولت‌سازی مدرن در مصر از قلب نهاد نظامی عبور کرده است و در ۶ دهه گذشته نظامیان با تمام قدرت در عرصه حاکمیتی مصر حضور داشته‌اند. آنها سیاست‌ورزی از نوع مصری را تعبیر و تفسیری نظامی کرده، راه را برای حضور احزاب و جریان‌های سیاسی خارج از قدرت بستند و با کنترل چارچوب‌های قدرت و تسلط بر حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مصر و به تبع آن جهان عرب را تحت تأثیر خود قرار دادند.



به‌عنوان مثال، از زمان به قدرت رسیدن حسنی مبارک رئیس‌جمهور اسبق مصر، تنها حزب حاکم ملی خلق - حزب وابسته به وی که بیشتر آنها هم از نظامیان بازنشسته و یا تجار نزدیک به وی بودند - در قدرت حضور داشتند و آنچه به‌عنوان انتخابات در مصر برگزار می‌شد، در حقیقت یک نمایش تبلیغاتی و رسانه‌ای به‌شمار می‌رفت که در آخرین نمونه آن پیش از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ - که مربوط به مجلس ملی این کشور می‌شد - میزان مشارکت تنها ۱۰ درصد بود. البته حکومت با تحریف واقعیات به دستکاری آمار و ارقام پرداخت و از جمله میزان مشارکت در انتخابات مورد اشاره را ۳۵ درصد اعلام کرد.

بنابراین، عدم توسعه‌یافتگی در عرصه سیاسی و ناتوانی نظامیانی که حکومت را در دست داشتند در امر دولت‌سازی، این کشور را به لحاظ ساخت نهاد قانونگذار و اجرایی برای سامان دادن به امور، دچار مشکل بنیادی کرد که این مشکل پس از سرنگونی حسنی مبارک و به قدرت رسیدن محمد مرسی به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور برآمده از انتخابات در این کشور، به شکل کاملاً ملموسی خود را نشان داد و مشخص شد که حتی احزاب و جریان‌های سابقه‌داری مانند اخوان المسلمین نیز در این حوزه بی‌تجربه هستند و نمی‌توانند وارد مرحله دولت‌سازی، دولت‌داری و گسترش نهادهای مدنی مبتنی بر اراده مردم شوند.

## ۲. بررسی اجتماعی - مذهبی

براساس برآورد سازمان‌های بین‌المللی خارجی، مصر امروز با بیش از ۸۳ میلیون نفر

جمعیت<sup>۱</sup> ترکیب پیچیده‌ای از جامعه شهری و روستایی را تشکیل می‌دهد، درحالی که منابع مصری خود بر این باورند که جمعیت این کشور، ۹۱ میلیون نفر است.<sup>۲</sup>

جامعه مصر جامعه‌ای سنتی با ویژگی‌های خاص به‌شمار می‌رود، تا جامعه‌ای دینی، در این جامعه؛ دین وجهی فرهنگی دارد و نه ایدئولوژیک، در این جامعه مردم نگاهی روزمره و هویت‌محور به دین دارند، بنابراین نهاد دین به شکل یک نهاد دانشگاهی و علمی (در قالب دانشگاه الازهر) به حیات خود ادامه می‌دهد. این دانشگاه در راستای حفظ دین مردم، تلاش می‌کند با آنها تعامل کند و به همین دلیل تاکنون فتوایی مبنی بر محدود کردن زندگی اجتماعی و سنتی مردم صادر نکرده است.

جامعه مصر به شکل عمومی چندبخشی و به یک عبارت دوقطبی است، چندبخشی است به این دلیل که در آن دیدگاه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور دارند و دوقطبی است به دلیل آنکه شکاف میان فقیر و غنی در آن بسیار زیاد است.

این جامعه علاوه بر بُعد اقتصادی و سیاسی از نظر مذهبی هم جامعه‌ای چندگانه است، در این جامعه علاوه بر مسلمانان و مسیحیان قبطی به‌عنوان دو دین اصلی کشور، از نظر مذهبی و رفتار دینی شکاف‌های بسیاری میان خود مسلمانان وجود دارد که این شکاف‌ها در شکل دادن به رفتار جامعه امروز مصر بی‌تأثیر نیست.

جمعیت قبطی‌ها در مصر بیش از هفت میلیون نفر است و حدود ۹۰ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان سنی‌مذهب تشکیل می‌دهند، دیگر مذاهب این کشور یعنی

1. [http://www.theodora.com/wfbcurrent/egypt/egypt\\_people.html](http://www.theodora.com/wfbcurrent/egypt/egypt_people.html)

۲. روزنامه مصری الیوم، ۳۰ اوت ۲۰۱۲:

<http://www.almasryalyoum.com/node/1080821>



مسیحیان، شیعیان و یهودیان نیز جمعیتی معادل ۲ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳. بررسی اقتصاد مصر

مصر یکی از کشورهای فقیر جهان به‌شمار می‌رود و این به‌دلیل ساختار ناکارآمد اقتصادی این کشور، حضور قدرتمند نظامیان در نهاد اقتصاد، رانتخواری گسترده در سطح کلان و بحران‌زا بودن اقتصاد مصر است. تولید ناخالص ملی مصر در سال ۲۰۱۲ حدود ۵۴۸ میلیارد دلار بوده<sup>۲</sup> که به‌دلیل عدم توزیع صحیح ثروت در این کشور، بیشتر درآمدها در دست اقلیت اندکی از مردم این کشور قرار گرفته است و نیمی از جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

اقتصاد مصر از مشکلات بسیاری رنج می‌برد که همین مسئله باعث شده دولت‌های مختلفی که در این کشور به قدرت رسیدند نتوانند آن‌گونه که باید و شاید، به مسئله رفاه و تأمین اجتماعی بپردازند و همواره یکی از موارد مهم اعتراضی مردم علیه این دولت‌ها مشکلات و کمبودهای اقتصادی بوده است:

**الف) نداشتن تراز تجاری:** از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصاد مصر، عدم تراز تجاری مثبت این کشور است؛ صادرات مصر در سال ۲۰۱۲ رقمی حدود ۲۵ میلیارد دلار و واردات این کشور بیش از ۵۲ میلیارد دلار بود که این عدم تراز مثبت، مصر را به کشوری محتاج تبدیل کرده است.

**ب) دخالت ارتش در اقتصاد:** براساس آمار غیررسمی بیش از ۴۰ درصد

---

1. CIA World Factbook: Egypt. Central Intelligence Agency. Retrieved 4 May 2011.

2. The World Factbook. CIA. Retrieved 18 June 2013.

اقتصاد مصر در دست ارتش این کشور است. حضور ارتش در اقتصاد باعث شده تا این نهاد قدرتمند همواره نگران منافع خود باشد. به دلیل ساختار امنیتی حاکم بر ارتش، اقتصاد مصر نیز به تبع آن امنیتی - رانتیر شده و از شفافیت لازم برای سرمایه‌گذاری برخوردار نیست.<sup>۱</sup>

**(ج) وابستگی به کمک‌های خارجی:** مصر به دلیل نداشتن تراز تجاری مثبت، وابستگی بسیار زیادی به کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری خارجی دارد تا جایی که میزان این کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها سالیانه به بیش از ۱۵ میلیارد دلار می‌رسد. شاهد عینی این مسئله را می‌توان در یک سال اخیر و تلاش برای جذب کمک کشورهای عرب حوزه خلیج فارس توسط سران قاهره دید، این کمک‌ها برای حکام این کشور اهمیت حیاتی دارند.<sup>۲</sup>

**(د) بیکاری گسترده:** بیش از ۲۵ درصد نیروی کار مصر بیکار هستند و میزان این بیکاری پس از انقلاب ۲۵ ژانویه به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی ناشی از تداوم نیافتن سرمایه‌گذاری خارجی، فرار توریست‌ها - به‌عنوان یکی از مهمترین منابع درآمدی این کشور - و سرانجام فرار برخی از سرمایه‌داران بزرگ، بیشتر شده است. آمار دولتی مصر شاخصه‌های دیگری را در این مورد مطرح می‌کنند که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.<sup>۳</sup>

۱. مصر: الجیش يتحكم في امبراطورية اقتصادية ضخمة، مجدی عبدالهادی، بی.بی.سی، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲:

[http://www.bbc.co.uk/arabic/middleeast/۱۲۰۶۲۳/۰۶/۲۰۱۲\\_army\\_egypt\\_business.shtml](http://www.bbc.co.uk/arabic/middleeast/۱۲۰۶۲۳/۰۶/۲۰۱۲_army_egypt_business.shtml)

۲. مصر قد تحول المساعدات الخليجية إلى سندات، روزنامه العرب، ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۳:

<http://www.alarab.co.uk/?p=52401>

۳. ارتفاع معدل البطالة في مصر إلى ۱۲٪، میرفت فهد، الاهرام العربي، مارس ۲۰۱۲:

<http://digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=۸۲۰۰۴۴&eid=۸۱۶>



هـ) فقر نیمی از مردم مصر: آماری که از فقر در مصر توسط دولت این کشور به صورت رسمی منتشر شده نشان می‌دهد که در این کشور فقرا حدود ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. در گزارش رسمی که توسط دولت مصر در ماه مارس ۲۰۱۰ منتشر شده است، عوامل متعددی برای گسترش فقر در این کشور برشمرده شده که شاید بتوان مهمترین آنها را تعداد زیاد فرزندان، روستایی بودن فقرا، عدم توزیع صحیح ثروت، رانتخواری و توزیع نامناسب سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و دخالت نهادهای نظامی در اقتصاد دانست.<sup>۱</sup>

#### ۴. جایگاه ارتش در مصر

در بررسی سیاسی و اجتماعی مصر نمی‌توان به سادگی از کنار ارتش قدرتمند این کشور گذشت. از زمان برافتادن حکومت پادشاهی در قرن گذشته و قدرت گرفتن افسران آزاد و تا زمان سرنگونی حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱، نخبگان سیاسی مصر را به شکل عمومی نظامیان تشکیل می‌دادند. تعبیر دولت در دولت تعریفی است که از جایگاه ارتش مصر در ساختار سیاسی و اجتماعی این کشور می‌شود.

ارتش مصر، از نظر تعداد نفرات، تجهیزات هوایی، دریایی و زمینی و همچنین نیروهای آموزش‌دیده، تجربه جنگی و در نهایت صنایع زیربنایی مجهزترین ارتش عربی به‌شمار می‌رود. این نیرو به واسطه چهار جنگی که با رژیم صهیونیستی داشته

---

۱. الفقر - السياسات والخدمات الاجتماعية، مصطفى ربیع و نیفین الحلو و علاء فتح الله محمد، مجلس الوزراء المصری، مرکز المعلومات ودعم اتخاذ القرار، مارس ۲۰۱۰.

است، ارتشی حرفه‌ای و منسجم به‌شمار می‌رود که به‌دلیل ماهیت فراجنحی و ملی خود به‌شدت در جامعه مصر محبوب است.

ارتش مصر که از طرف مردم ضامن امنیت این کشور به‌حساب می‌آید، به‌شدت سیاست‌زده است و همان‌گونه که گفته شد حدود ۴۰ درصد اقتصاد مصر را در کنترل خود دارد و از این‌رو حساسیت خاصی نسبت به آنچه در مصر می‌گذرد داشته و خود را مدافع مردم می‌داند. در دو سال گذشته، ارتش دستکم دو بار برای آنچه نجات کشور خوانده، در عرصه سیاسی دخالت کرده است.

ارتش مصر سالیانه کمک اقتصادی هنگفتی را از آمریکا دریافت می‌کند و این کمک یکی از ملاحظات مهم در ارتباط میان وزارت دفاع آمریکا و این نهاد به‌شمار می‌رود.<sup>۱</sup> ارتش با استفاده از این کمک‌ها در طول سه دهه گذشته موفق شده نیروی هوایی خود را به‌روز و کارآمد کند. از آنجایی که ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی مصر در دست ارتش است، این نهاد ثروتمند، حتی به خزانه دولتی نیز کمک می‌کند.<sup>۲</sup>

با توجه به این موارد، باید گفت در جامعه مصر عنصر تضاد در حد کمال خود وجود دارد و این تضاد باعث شده تا در این جامعه، در نبود ثبات سیاسی و اقتصادی و به‌تبع آن شکل‌گیری ناامنی اجتماعی، مردم و حتی جریان‌های سیاسی به سراغ ارتش رفته و از این نهاد قدرتمند نظامی بخواهند تا با ورود خود به صحنه منازعات لاینحل، عملاً با کنترل فضا، راه را برای عبور کم‌هزینه از مرحله بحرانی فعلی فراهم کنند.

1. "Defence budget (Egypt), Defence budget". Janes.com. 30 December 2010. Retrieved 2011/02/11.

۲. مصر: الجیش یتحکم فی امبراطوریه اقتصادیة ضخمه، مجدی عبدالهادی، همان.



## بخش دوم - به قدرت رسیدن اخوان المسلمین و چالش‌های محمد مرسی

جماعت اخوان المسلمین که پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ موفق شد در انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری به پیروزی برسد، ساختاری پیچیده و بسیار درون‌گرا دارد و براساس قوانین سختگیرانه‌ای اداره می‌شود. مرشد اخوان بالاترین شخصیت این جریان به‌شمار می‌رود و شخصیت محوری و تصمیم‌گیر نهایی است. او دارای قدرت بسیار زیادی در عزل و نصب افراد در مراکز مختلف اخوان است، پس از او معاون مرشد قرار دارد که در حقیقت کارهای اجرایی را انجام می‌دهد.

برای شناخت بهتر رفتار اخوان و شیوه حکومتداری آن باید به شناختی کلی از این جریان رسید. این جماعت با سابقه ۸۰ ساله در درون خود دو جریان عمده را در طول چند سال گذشته جای داده است:

- **گارد قدیم:** شامل نیروهای قدیمی که با برکناری محمد مهدی عاکف مرشد پیشین جماعت به قدرت رسیدند و نماد آنها محمد بدیع مرشد فعلی، معاونش خیرت الشاطر و محمد مرسی هستند.

- **گارد جدید با رویکرد اصلاحی:** این جریان که در اخوان قدرت بسیار دارد و منتقد نیروهای قدیمی است، توسط جریان قدیمی و پس از پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه از جماعت اخراج شدند. عبدالمنعم ابوالفتوح، محمد حبیب، محمود عزت، کمال هلپاوی و ثروت‌الخبابوی از جمله این افراد بودند که پس از جدا شدن از اخوان، خود احزاب و جریان‌های اسلام‌گرای معتدلی را تشکیل دادند که در واقع رقیب جریان قدیمی شدند.

## ۱. اخوان و مشارکت در روند انقلاب ۲۵ ژانویه

رهبران اخوان المسلمین از همان نخستین روز حرکت بزرگ جوانان مصر علیه رژیم حسنی مبارک، در مورد موفقیت این اقدام مردمی شک و تردید داشتند و به جای آنکه شجاعانه و به صورت کامل به میدان روند و در کنار نسل جوانی قرار گیرند که علم دادخواهی و ستم‌ستیزی را به قیمت جانشان بر فراز میدان التحریر برافراشته بودند، راه معامله و تسامح را اختیار کردند. اولین عکس‌العمل و موضع‌گیری این حزب در مورد تظاهرات خیابانی این بود که «حزب اخوان المسلمین در این تظاهرات شرکت ندارد». این رفتار تا جایی ادامه داشت که رهبران اخوان که به اصالت انقلاب اعتقاد داشتند و آن را ناموفق می‌دانستند، با ژنرال عمر سلیمان رئیس وقت سازمان اطلاعات مصر دیدار کردند و در یک دادوستد سیاسی، به نوعی با دریافت برخی امتیازات خاص، در صدد بودند انقلاب را سرکوب کنند. به همین منظور آنها شروطی دهگانه را پیش پای مبارک برای عدم مشارکت در اعتراضات گذاشتند.<sup>۱</sup> اما اخوانی‌ها بعد از حضور جنبش جوانان انقلاب ۲۵ ژانویه، وارد کارزار انقلاب شده و عملاً بر امواج آن سوار شدند.<sup>۲</sup> این جریان برای حضور در عرصه سیاسی مصر، حزب عدالت و آزادی، شاخه سیاسی اخوان را تشکیل داد و تلاش کرد تا با گنجاندن اعضای قدیمی و ارشد و وابسته به گارد دفتر ارشاد در آن، زمام امور مصر را به دست بگیرد.

۱. الاخوان تعلن عدم مشارکتها فی مظاهرات ۲۵ يناير، صوت البلد، الخميس، ۲۰ يناير ۲۰۱۱.

<http://www.baladnews.com/article.php?cat=۴&article=۹۳۴۷>

2. <http://www.ikhwanonline.com/Article.asp?ArtID=8791&SecID=250>



## ۲. عملکرد اخوان پس از پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه

رفتار اخوان المسلمین مصر پس از پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه به شکل کامل و تمام‌عیاری به نوعی کلاهبرداری سیاسی بود، به‌گونه‌ای که رهبران این جماعت برخلاف همه حرف‌هایی که در مورد ورود به صحنه سیاسی بر زبان رانده بودند، عمل کرده و نتوانستند اعتماد عمومی را جلب کنند. این رفتار را می‌توان در قالب مصادیقی به‌شرح ذیل مورد اشاره قرار داد:

**الف) معرفی نامزدهای انتخاباتی برای به‌دست آوردن ۳۰ درصد کرسی‌های مجلس ملی:** رهبران اخوان ابتدا این ایده را مطرح کردند که در بهترین حالت توان به‌دست آوردن ۳۰ درصد کرسی‌های پارلمان را دارند و از این‌رو برای ۵۰ درصد کرسی‌ها نماینده معرفی خواهند کرد تا به ۳۰ درصد مورد نظر دست یابند. آنها با وعده به‌دست آوردن همین میزان از کرسی‌ها، وارد انتخابات شدند، اما به‌جای معرفی ۵۰ درصد مورد اشاره، اقدام به معرفی ۱۰۰ درصدی نامزدهای خود کردند و حتی با دروغگویی، برخی از نمایندگان مستقل را هم از درون خود معرفی کردند که به این ترتیب کنترل بیش از ۷۰ درصد مجلس را به‌دست گرفتند. لازم به یادآوری است که بر اساس قانون انتخابات مصر، یک‌سوم از نمایندگان باید از نامزدهای مستقل بوده و این افراد عضو هیچ حزب و گروهی نباشند، اما اخوان این قاعده را رعایت نکرد. این اقدام سران اخوان درحالی صورت گرفت که آنها با احزاب مختلف مصری وارد یک ائتلاف همه‌جانبه شده بودند و باید با هماهنگی کامل آنها وارد عرصه

انتخابات می‌شدند.<sup>۱</sup>

**ب) انتخابات ریاست جمهوری:** همزمان با ورود اخوان به انتخابات پارلمانی، رهبران جماعت اعلام کردند که قصد ورود به عرصه انتخابات ریاست جمهوری را ندارند و این عرصه را برای دیگر احزاب سیاسی و فعالان این حوزه باز خواهند گذاشت و هر فردی که از درون اخوان المسلمین اقدام به معرفی نامزد کند، از جماعت اخراج می‌شود. با این وجود عبدالمنعم ابوالفتوح از اعضای ارشد اخوان خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری کرد، اما رهبران جماعت او را به جرم سرپیچی از دستورات دارالارشاد، اخراج کردند؛ این درحالی بود که خود سران اخوان خیرت‌الشاطر را به‌عنوان نامزد اول و محمد مرسی را به‌عنوان نامزد دوم برای مشارکت در انتخابات معرفی کردند، اقدامی که برخلاف وعده اولیه آنها بود و این مسئله باعث شد تا اخوان المسلمین به‌عنوان یک جماعت خوش‌قول و صادق شناخته نشود.

**ج) ارائه مدل خاص حکومتی:** اخوان المسلمین ادعا می‌کرد که به‌دنبال ارائه حکومتی خاص و ویژه است که در آن از همه نیروها و پتانسیل‌ها در داخل استفاده خواهد کرد. جریان اخوان قصد داشت تا با طرح چنین ادعایی این پیام را به طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بدهد که با اصل مشارکت در قدرت موافق است. با این حال با آغاز دوره ریاست جمهوری محمد مرسی، همه این وعده‌ها به فراموشی سپرده شد.

۱. بیان التحالف الديمقراطية حول الانتخابات البرلمانية، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۱:



### ۳. وعده‌های مرسی که به مرحله عمل نرسید

محمد مرسی به‌عنوان نماینده پیروز اخوان از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ وعده‌های مختلفی داد و اعلام کرد که آنها را ظرف یکصد روز اجرایی خواهد کرد. برخی از این وعده‌ها عبارت بودند از:

- جمع‌آوری زباله‌های قاهره و سروسامان دادن به اوضاع داخلی این شهر.
- حل بحران نان که عملاً از زمان مبارک وجود داشت، اما در دوره پس از وی به دلیل سوءمدیریت به مشکلی حاد تبدیل شد.
- حل بحران سوخت، لازم به یادآوری است که مصر عملاً با بحران سوخت مواجه است و همین بحران باعث شده تا نیمی از ناوایی‌های قاهره هم تعطیل شوند و نان به یک کالای ضروری کمیاب تبدیل شود. علاوه بر این، موضوع کمبود سوخت باعث شده تا سیستم حمل‌ونقل مصر دچار مشکل شود و بر روند زندگی روزمره مردم تأثیر بگذارد.
- حل بحران بیکاری، مرسی درحالی وعده حل بحران بیکاری را داد که در زمان مبارک نرخ بیکاری کمتر از ۲۰ درصد بود، اما درحال حاضر میزان بیکاری در مصر بیش از ۴۰ درصد است.
- حل معضل ترافیک در قاهره و شهرهای بزرگ.
- حل بحران برق که گاهی تا ۱۰ ساعت در روز قطع می‌شود.
- حل مشکل گرانی و تورم روزافزون.
- تشکیل کمیته‌ای جنایی برای رسیدگی به جرائم افرادی که به انقلابیون حمله کرده‌اند.

- محاکمه سران رژیم سابق به خصوص حسنی مبارک و فرزندانش.  
محمد مرسی قادر به تحقق این وعده‌ها ظرف یکصد روز نشد،<sup>۱</sup> و پس از گذشت یک سال از حکومتش نیز نتوانست این وعده‌ها را عملی کند، به‌گونه‌ای که تورم وحشتناک در این کشور به جایی رسید که این بار قشر فقیر جامعه نیز برای سرنگونی وی به خیابان‌ها آمدند.

#### ۴. واقعیت‌های سیاسی - رفتاری حکومت یک‌ساله محمد مرسی

واقعیت‌های یک‌ساله حکومت محمد مرسی، یعنی دوران کوتاه زمامداری اخوان و حضورشان در صحنه‌های سیاست و قدرت، به‌گونه‌ای بود که همه احزاب و جریان‌های حاضر در صحنه سیاسی مصر را علیه آنها شوراند، به‌عبارت دیگر آنچه که اخوانی‌ها در صحنه عملی سیاست کردند باعث شد تا آنها در یک سمت قدرت قرار گیرند و دیگر احزاب و جریان‌ها نیز در سمت دیگر و براین اساس یک نوع اتحاد ناخوانده میان آنها علیه اخوان در قالب چند ائتلاف که مشهورترین آن جبهه نجات ملی مصر بود، شکل بگیرد.

اما واقعیت‌های رفتاری محمد مرسی و اخوان را می‌توان به‌شرح ذیل برشمرد:

- انحصارطلبی در حکومت و عدم توجه به دیگر جریان‌های سیاسی.

- همراهی با افراطیون سلفی - وهابی در موضعگیری‌ها و برخورد با پیروان

مذاهب و ادیان در داخل مصر.

۱. وعود «مرسی» تبخرت فی الهواء، طریق الاخبار، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۲:



- حمایت از شورشیان مسلح سوریه و اعلام قطع رابطه با دمشق باعث واکنش شدید ارتش شد، چراکه مرسی عملاً می‌خواست ارتش مصر را برای جنگ به سوریه اعزام کند.
- همراهی با سیاست‌های رژیم صهیونیستی و استمرار رابطه با آن از جمله ادامه فروش گاز به این رژیم علیرغم اعتراض‌های شدید و مستمر مردم مصر و حتی تخریب تونل گذرگاه رفح.
- تعلل در محاکمه حسنی مبارک رئیس‌جمهوری که مردم علیه او انقلاب کرده بودند و دستش به خون بسیاری از مردم مصر و غارت اموال بیت‌المال آلوده بود.
- تهدید نظامی اتیوپی، بدون مشورت با ارتش که عملاً باعث شد کشورهای همسایه مصر در محیط پیرامونی خود احساس تهدید کنند.
- نزدیکی بیش از اندازه به قطر و تحریک جریان‌های اخوانی در امارات، کویت و عربستان که واکنش شدید این کشورها را در پی داشت تا جایی‌که عملاً آنها به‌عنوان بانیان کودتای نظامی اخیر شناخته شدند.
- عدم مشورت با حلقه مشاوران دیپلمات و با تجربه به نحوی که مرسی عملاً کارگزار محمد بدیع مرشد اخوان شد و سران اخوان از پشت پرده او را کنترل می‌کردند که این رویه بارها باعث استعفای مشاوران وی شد.
- علاوه بر موارد فوق باید به این نکته هم اشاره کرد که جمع‌بندی بسیاری از مخالفان مرسی و اخوان این است که آنها با تصاحب انقلاب مصر، به‌جای جبران خیانت‌های رژیم گذشته، راه سادات و حسنی مبارک را ادامه داده و کشور را به سوی وابستگی بیشتر، فقر و فلاکت و مشکلات اقتصادی عمیق‌تر به پیش بردند.

## ۵. تبعات منفی الگوهای رفتاری مرسی و اخوان بر نظام حاکمیتی آنها

آنچه در یک سال اخیر بر مصر گذشت اختلاف میان شعار و عمل در رفتار رئیس‌جمهور اخوانی مصر بود که به‌صورت گذرا می‌توان آن را این‌گونه مورد نقد و ارزیابی قرار داد:

الف) مرسی که ابتدا خود را رئیس‌جمهور همه مصری‌ها می‌خواند، به‌زودی نشان داد که برای او ترجیحات جناحی و حزبی بیش از تشخیص منافع ملی و همکاری با سایر احزاب مصری، اهمیت دارد. او نتوانست میان واقع‌گرایی در عرصه سیاسی و اقتصادی و آرمان‌خواهی ایدئولوژیک تلفیقی منطقی ایجاد کند. وی بدون درک مختصات جامعه مصر، خود را در مقام مصلحی تصور کرد که می‌تواند ارزش‌های ذهنی و آرمانی‌اش را در جامعه مستقر کند. درواقع اگر مرسی می‌توانست با مشارکت همه جریان‌های سیاسی مصری که به او در انتخابات کمک کردند، دولتی معتدل تشکیل دهد، سرنگون نمی‌شد.<sup>۱</sup>

ب) جریان اخوان‌المسلمین و دولت وابسته به آن، درک واقعی از اختیارات و نیز توانمندی‌هایشان برای همسوسازی ملت با خود را نداشتند و براین اساس به‌جای پاسخ به مطالبات واقعی و اولویت‌دار مردم مصر، تنها در اندیشه تحقق ایدئال‌های خود بودند. این جریان، به‌صورت بسیار ناشیانه‌ای پذیرفت که سیاست واقعی بازتابی از گفتگو است.

ج) مرسی به‌جای تعامل سازنده با جریان‌های سیاسی و فعال کشور که در

1. Exclusive: Egypt's "Road Not Taken" Could Have Saved Mursi, Paul Taylor, Reuters, 16 Jul, 2013.



سرنگونی رژیم سابق مشارکت داشتند، تنها به دلجویی از ارتش بسنده کرد و آن را ضامن استمرار حضور خود در مسند قدرت دید؛ تصویری که غلط بودن آن با اقدام ارتش علیه خود او، آشکار شد. دلیل این اشتباه نگاه طمع‌ورزانه او بود که باور داشت با همسوسازی نظامیان قادر است بر رقیبان چیره شود. به این ترتیب او به‌جای زدودن زنگاره‌های استبدادزدگی، قانون‌گریزی، پرهیز از به رسمیت شناختن قدرت اقلیت، انحصارطلبی و تک‌گویی، خود به نمادی از این آثار به‌جا مانده از دوران استبداد تبدیل شد.

د) مرسی تکیه بسیار زیادی بر روی آمریکا کرد، او فکر می‌کرد در صورتی‌که بتواند نظر آمریکا را در مورد مسائل مهم منطقه‌ای مانند سازش اعراب و اسرائیل، معاهده کمپ دیوید، عدم برقراری رابطه با ایران و در نهایت فشار بر سوریه جامه عمل ببوشاند، این آزادی عمل را دارد که بتواند در مصر به‌صورت کاملاً آزاد رفتار کند. اشتباهی راهبردی که در نهایت باعث شد عربستان سعودی و امارات متحده عربی بانی کودتای جدید در مصر شوند، به‌عبارت دیگر، مرسی از توطئه عربی برای سرنگونی خود غافل شد.

ه) محمد مرسی و اخوان‌المسلمین فکر می‌کردند با قرار دادن نام الازهر به‌عنوان مرجع مشروعیت در قانون اساسی خواهند توانست این نهاد قدرتمند مذهبی را در کنترل خود درآورده و دستکم از بار مخالف‌های آن بکاهند، تصویری که به‌نظر می‌رسد چندان درست نبود و شیخ الازهر به مردم معترض بیش از رفتار مرسی و سران اخوان معتقد بود و عملاً در کنار معترضان و فرمانده ارتش قرار گرفت.

## بخش سوم - پیروزی مرسی، انتقاد به عملکرد اخوان و شکل‌گیری جریان‌های ضداخوانی

انتخابات ریاست‌جمهوری مصر در دو مرحله برگزار شد. در مرحله اول احمد شفیق آخرین نخست‌وزیر پیش از سرنگونی مبارک و از افسران خوشنام ارتش مصر که دارای تفکرات ناصری بود، به‌همراه محمد مرسی با اختلاف اندکی در آرا به پیروزی رسیدند.<sup>۱</sup>

در نخستین انتخابات آزاد ریاست‌جمهوری در مصر در مرحله اول محمد مرسی تنها ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار رأی به‌دست آورده بود و در این مرحله نیاز به حمایت همه نیروهای انقلابی داشت تا بتواند احمد شفیق را از میدان رقابت خارج کند. با توجه به اهمیت این مسئله، رقبای پیشین مرسی برای آنکه مانع از شکست انقلاب شوند؛ به حمایت از او برخاستند. مرسی موفق شد تا پس از قول‌هایی که به همه رقبای پیشین مبنی بر تشکیل یک دولت فراگیر داده بوده، در مرحله دوم انتخابات با به‌دست آوردن ۵۱ درصد آرا و در مجموع ۱۳ میلیون و ۳۲۰ هزار رأی بر رقیب خود پیروز شود.<sup>۲</sup>

### ۱. بدقولی و اشتباهات راهبردی اخوان المسلمین

اخوان المسلمین علیرغم قولی که به احزاب مختلف مصر، جوانان انقلابی ۲۵ ژانویه و

1. <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/36/122/43126/Presidential-elections-/Presidential-elections-news/BREAKING-Mursi,-Shafiq-officially-in-Egypt-presid.aspx>

۲. محمد مرسی رئیس‌المصر. الجزیره، ۲۴ یونیو ۲۰۱۲:

<http://www.aljazeera.net/news/pages/4b9296ad-a438-4507-93c3-031b285bbce0>



مردم مصر داده بود، پس از پیروزی محمد مرسی در انتخابات نه تنها به وعده‌های سیاسی خود برای مشارکت جریان‌ها و احزاب همراه و حامی در دولت عمل نکرد، بلکه با پشت پا زدن به آنها، راه عناد و مخالفت را در پیش گرفت.

به‌طور کلی اقدامات مخرب و گاه دور از انتظار محمد مرسی که منجر به گسترش اعتراضات در این کشور شد را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

**الف) انتصاب نخست‌وزیری بی‌تجربه:** نخستین اقدام مرسی و در غیاب مجلس ملی منحل شده، انتصاب نخست‌وزیری بی‌تجربه بود. هشام قنديل یک مهندس آب و فاضلاب بود که در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۲ نخست‌وزیر مصر شد، مرسی دلیل انتخاب قنديل را تنها داشتن محاسن برشمرد!

**ب) تبعیت محض از دارالارشاد:** مرسی علیرغم معاونان و مشاوران متعددی که داشت، به‌صورت مستقیم دستورات و مشاوره‌های خود را از دارالارشاد می‌گرفت و توجهی به حضور جمع سیاستمداران و دیپلمات‌های برجسته اطراف خود نداشت، دخالت‌های دارالارشاد در دولت انتقادات بسیاری را متوجه مرسی کرد.<sup>۱</sup>

**ج) دخالت دارالارشاد در مسائل امنیتی:** پس از به قدرت رسیدن مرسی، اعضای برجسته دارالارشاد به‌صورت گسترده تلاش کردند تا نهادهای امنیتی را پاکسازی کرده و پرونده‌های خود را در این نهادها از بین ببرند. در این مورد خیرت الشاطر، بیشترین نقش ممکن را داشت.<sup>۲</sup>

۱. أبو الفتوح: تدخل الإخوان في الحكم سبب فشل مرسي، العربية، ۱۰ يوليو ۲۰۱۳.

۲. خیرت الشاطر .. السلطة .. السلاح .. النساء، محمد الباز، ۲۰۱۳/۱/۱.

د) تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی بدون حضور احزاب و جریان‌های شناخته شده مصری: مرسی با مشورت محمد بدیع و خیرت الشاطر، تلاش کرد تا افراد نزدیک به اخوان المسلمین را در مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی جدید به کار گیرد، این اقدام باعث شد تا قانون اساسی جدید عملاً اعتماد مردم مصر را تأمین نکرده و در نتیجه با آرای بسیار اندکی به تصویب برسد.

ه) درخواست صلاحیت‌های فراقانونی با صدور فرمان پنج ماده‌ای: محمد مرسی در پاییز سال ۲۰۱۲ در فرمانی پنج ماده‌ای اعلام کرد که تا زمان انتخابات پارلمانی خود به مدت نامحدودی اقدام به وضع قوانین جدید خواهد کرد.<sup>۱</sup> این درخواست، عملاً عمق نگاه جماعت اخوان المسلمین به مسئله حکومت را مشخص کرد و نشان داد که آنها قدرت را در شکل خلافتی و نه مدنی آن مورد توجه قرار می‌دهند. جرقه اصلی اختلاف میان احزاب مختلف مصر با اخوان المسلمین و مرسی از همین جا زده شد.

و) مرسی تلاش کرد تا علاوه بر قوای مجریه و مقننه، قوه قضائیه را هم به زیر سلطه اخوانی‌ها درآورد: این اقدام اعتراض گسترده نهاد قدرتمند قضایی مصر را در پی داشت، که حتی مبارک نیز توان درگیری و رویارویی با آن را نداشت. این اقدام باعث مقاومت قضات، وکلای دادگستری، قضات دادگاه عالی قانون اساسی و حتی مردم مصر در برابر زیاده‌خواهی‌های مرسی و جماعت اخوان شد.

ز) انتخاب استانداران از میان اعضای اخوان المسلمین: یکی از اشتباهات

۱. نشر مواد الإعلان الدستوری الجديد للرئيس مرسی، اليوم السابع المصری، الخميس، ۲۲ نوفمبر ۲۰۱۲:



راهبردی مرسی، استفاده گسترده از اعضای اخوان برای اداره امور استان‌های مصر بود. آخرین مورد از این انتصاب‌ها که موجب استعفای وزیر گردشگری مصر شد، انتخاب رهبر یکی از گروه‌های تندروی جهادی به‌عنوان استاندار استانی توریستی الاقصر بود، این فرد در سال ۱۹۹۵ عامل حمله به توریست‌های خارجی و کشتن تعدادی از آنها بود.

**ح) پیوند تنگاتنگ با سلفی‌ها:** مرسی برای جبران از دست دادن حمایت جریان‌های ریشه‌دار و مدنی مصر که از ماهیتی ملی برخوردار بودند، به‌دلیل پیشینه فکری و رفتاری خود که از جریان تندروی سلفی اخوان است، به سلفی‌ها و وهابی‌ها در مصر نزدیک شد. این نزدیکی هرچند اجتماعاتی را که مرسی در آن حضور داشت، پررنگ می‌کرد، اما باعث شد تا مردم کمتر به مرسی و افکار او در راستای تحول اقتصادی و سیاسی که مد نظرشان بود، اعتماد کنند.

**ط) سرکوب جریان جوانان انقلاب ۲۵ ژانویه:** یکی از خلف وعده‌های مرسی، عدم پاسخگویی به مطالبات جوانان انقلابی مصر و حتی عمل نکردن به وعده‌های خود در اختصاص یک وزارتخانه به این جریان بود. دولت مرسی تا جایی پیش رفت که تجمع جوانان انقلابی را محدود و برخورد امنیتی شدیدی با آنها کرد و این مسئله باعث شد تا جوانان انقلابی مصر، جنبش تمرد را تدارک ببینند و از سوی دیگر سیاسیون بلندپایه مصری، جبهه نجات ملی این کشور را تشکیل دهند.

**ی) تلاش برای کنترل رسانه‌ها و سرکوب آنها:** اخوان‌المسلمین یکی از مهمترین اهداف تعریف شده اولیه خود را سرکوب رسانه‌ها و کنترل آنها قرار داد.

شکایت از سردبیران و مسئولان روزنامه‌ها، تلاش برای انتخاب سردبیر روزنامه‌ها از طریق دولت، دستگیری روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، حمله به ساختمان رسانه‌ها، تعطیلی تلویزیون‌ها و تعقیب مجریان منتقد، در مجموع باعث شد تا مرسی و اخوان‌المسلمین در مقابل رسانه‌های مصری قرار گرفته و عملاً پوشش رسانه‌ای لازم را از دست بدهند. آنها در بُعد بین‌المللی نیز در مسئله سرکوب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی با چالش‌های عمده‌ای مواجه شدند.

**ک) وارد کردن خشونت اجتماعی به بهانه امر به معروف و نهی از منکر:** یکی از مواردی که جامعه سنتی و تقریباً آزاد مصر را به شدت آزار داد و باعث بیزاری جامعه از دولت مرسی و در مجموع اخوان‌المسلمین شد، باز گذاشتن دست سلفی‌ها برای حمله به مردم به بهانه حفظ حجاب، ترک واجبات و اعمال حرام بود. این اقدامات در شهری مانند قاهره و اسکندریه، باعث خشم مردم از عدم واکنش نیروهای امنیتی به رفتار این جماعت شد.

**ل) دامن زدن به اختلافات دینی:** مصر دارای یک اقلیت قدرتمند و پرنفوذ قبطی است که پس از تفاهم صورت گرفته میان اخوان‌المسلمین و جریان سلفی - وهابی مورد حمله قرار گرفت. در درگیری‌های صورت گرفته ده‌ها نفر کشته شدند، تعدادی کلیسا به آتش کشیده شد. همچنین با صدور فرمان تکفیری توسط مفتی‌های وهابی، موج درگیری‌ها میان طرفین تشدید شد.

**م) پذیرش توافقنامه کمپ دیوید:** مرسی و جماعت اخوان برخلاف آنچه که پیش از رسیدن به قدرت عنوان می‌کردند، نه تنها همه معاهدات امضا شده با رژیم صهیونیستی به‌خصوص معاهده کمپ دیوید را تأیید کردند، بلکه سطح روابط



دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی را نیز به شکل گسترده‌ای افزایش دادند. این اقدامات برای مردم مصر که عموماً مخالف شدید رژیم اسرائیل هستند، غیرقابل قبول و نشانه دو رویی اخوانی‌ها و مرسی ارزیابی شد.

## ۲. تشکیل جبهه نجات ملی

نخستین واکنش به سیاست‌های محمد مرسی و اخوان‌المسلمین در داخل این کشور در بُعد سیاسی، متحد شدن مخالفان وی بود که در حقیقت رهبران احزاب و جریان‌های سیاسی و اجتماعی مصری بودند. این جبهه در ماه نوامبر ۲۰۱۲ - پس از فرمان پنج ماده‌ای مرسی - توسط سه سیاستمدار برجسته مصری، یعنی محمد البرادعی، عمرو موسی و حمیدین صباحی تشکیل شد.<sup>۱</sup>

این جبهه با شعار نجات مصر تشکیل شد و پس از آن با حضور ۳۵ حزب و جریان سیاسی مصری حوزه فعالیت خود را گسترش داد<sup>۲</sup> و عملاً در نقطه مخالف حکومت مرسی، اخوان‌المسلمین و در نهایت سلفی‌ها قرار گرفت. جبهه نجات با استفاده از ناپختگی‌های سیاسی و رفتاری اخوان و مرسی، جایگاه و پایگاه خود را به‌عنوان یک جریان عاقل و با تدبیر در مصر تثبیت کرد و در طول هشت ماه تا زمان سرنگونی مرسی، هدایت سیاسی و فکری مخالفان را در دست داشت.

۱. البرادعی و موسی و صباحی یعلنون إنشاء جبهة إنقاذ وطنی لإدارة المرحلة الحالية سياسياً و شعبيّاً، الاهرام،

۲۰۱۲/۱۱/۲۴

<http://gate.ahram.org.eg/News/276204.aspx>

2. Strong Egypt takes a separate stand, Hend Kortam, dailynewsegypt.com, 27 November, 2012.

<http://www.dailynewsegypt.com/2012/11/27/strong-egypt-takes-a-separate-stand/>

### ۳. شکل‌گیری جنبش تمرد

اگر جبهه نجات ملی مصر را شاخه سیاسی و فکری مخالفان مرسی و اخوان‌المسلمین بدانیم جنبش جوانان ۲۵ ژانویه در حقیقت موتور محرکه جامعه مصر و هماهنگ‌کننده نهایی مردم این کشور برای مخالفت با طرح‌ها و برنامه‌های جماعت اخوان‌المسلمین بود.

این جنبش در ۲۶ آوریل ۲۰۱۳ و در تجمع ده‌ها هزار نفری مخالفان محمد مرسی در میدان التحرير قاهره اعلام موجودیت کرد. این جبهه در سوم می اعلام کرد که ۲۰۰ هزار امضا مبنی بر رأی عدم اعتماد به رئیس‌جمهور را جمع‌آوری کرده است<sup>۱</sup>. جنبش تمرد را در حقیقت سه تن از جوانان انقلاب ۲۵ ژانویه از طریق شبکه‌های اجتماعی و روابطی که با سایر گروه‌های سیاسی و اجتماعی مصری در خلال روزهای سرنگونی حسنی مبارک به‌دست آورده بودند، شکل دادند.

محمود بدر، محمد عبدالعزیز و حسن شاهین به‌عنوان مؤسسان اصلی جنبش تمرد، در واقع سه نفری بودند که در طول حکومت یک‌ساله مرسی بارها تحت تعقیب قرار گرفتند. حسن شاهین یک‌بار دستگیر و حتی به زندان افتاده بود. این جنبش دارای یک اتاق فکر سری بود که در آن ده‌ها نفر دیگر عضو بوده و با تقسیم کار گسترده و بهره‌گیری از همه توان خود، موفق شدند میلیون‌ها امضا علیه محمد مرسی جمع کنند.<sup>۲</sup>

۱. حركة «تمرد» تعلن جمع ۲۰۰ ألف توقيع لسحب الثقة من الرئيس، جريدة صدی البلد:

<http://www.el-balad.com/477680>

۲. «الغرفة السرية».. كيف تعمل حركة تمرد المصرية؟ العرب ۴۸، ۲۰۱۲/۷/۵:



در هفته‌های منتهی به سرنگونی محمد مرسی، رهبران جبهه نجات مصر در اتحادی نانوشته با جوانان جنبش ترمذ به حرکت آنها ماهیت و مشروعیت قانونی دادند و باعث شدند تا این جوانان در بُعد سیاسی و رسانه‌ای از همه ظرفیت‌های موجود استفاده کنند.

جنبش ترمذ، روز ۳۰ ژوئیه را موعد نهایی گردهمایی بزرگ اعتراضی خود اعلام کرد. این روز، مقارن با اولین سالگرد به قدرت رسیدن محمد مرسی بود و اعلام شد که جنبش موفق شده بیش از ۲۲ میلیون امضا برای پس گرفتن اعتماد از رئیس‌جمهور جمع کند.

#### ۴. واکنش اخوان المسلمین و مرسی به حرکت مخالفان

در برابر اتحاد دو جبهه نجات ملی و جنبش ترمذ، جنبش اخوان المسلمین و به تبع آن محمد مرسی و طرفداران آنها، ضمن جدی نگرفتن عمق خطر پیش‌رو، جنبش تجرد را شکل دادند که رهبران این جنبش همگی از تندروهای افراطی سلفی در مصر بودند.

به نظر می‌رسد که سران اخوان المسلمین دوره تازه اعتراضات مخالفان را مانند تجمعات پیشین ارزیابی کرده و معتقد بودند در نهایت با حضور چند صد هزار نفر و عمل متقابل طرفداران اخوان و همراهی نیروهای امنیتی و نظامی، معترضان راهی خانه‌هایشان می‌شوند، انتظاری که با توجه به برنامه‌ریزی صورت گرفته توسط مخالفان مرسی، عملاً بیهوده بود.

الگوی رفتاری مرسی و طرفداران او در مدت‌زمان یک هفته مانده به حرکت اعتراضی ۳۰ ژوئیه، خود تأثیر شگرفی بر گسترده‌تر شدن اعتراضات علیه نظام اخوانی مصر داشت:

(الف) جنبش تجرد را گروهی از تندروهای سلفی - وهابی رهبری می‌کردند که سابقه خوبی در میان مردم مصر نداشتند.

(ب) سلفی‌ها درست یک هفته پیش از شروع تجمع مخالفان مرسی رهبران شیعی مصر را به شکل فجیعی به قتل رساندند که انتشار ویدئوی آن، خشم مردم مصر را برانگیخت.

(ج) جنبش تجرد طرفدار مرسی از یک هفته پیش از شروع اعتراض مخالفان، اقدام به عرض اندام در قاهره و برخی دیگر شهرها کرد که خود باعث تحریک مخالفان شد. (د) دو روز پیش از شروع اعتراضات، محمد مرسی در یک سخنرانی تلویزیونی دو ساعته ضمن دفاع از عملکرد خود و پذیرش برخی اشتباهات - بدون تأکید بر تصحیح آنها - مخالفان را تهدید کرد که با شدت با آنها برخورد خواهد کرد.

جنبش اعتراضی مخالفان محمد مرسی در روز یکشنبه ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۳ شروع شد که حضور خیره‌کننده مردم مصر در این اعتراضات، فرماندهان ارتش را هم مجبور به همراهی با آنها کرد. ارتش مصر که وظایف و خصوصیات آن پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته‌ای را به محمد مرسی داد و از وی خواست تا با همه‌پرسی موافقت کند، در غیر این صورت ارتش اقدامات دیگری را در دستور کار قرار خواهد داد.

محمد مرسی در این فرصت، در تلویزیون ظاهر شد و بدون آنکه اشاره‌ای به



حضور میلیون‌ها معترض در خیابان‌های مختلف شهر قاهره داشته باشد، بارها از مشروعیت قانونی خود سخن گفت و تأکید کرد که تنها حاضر است در مورد تشکیل یک دولت ائتلافی با مخالفان به مذاکره بپردازد.

پس از این سخنرانی و ضرب‌الاجل ارتش بود که ژنرال عبدالفتاح السیسی وزیر دفاع و فرمانده ارتش مصر درحالی که همه رهبران سیاسی و مذهبی مصر - بجز اخوانی‌ها - او را احاطه کرده بودند، برکناری مرسی از قدرت را اعلام کرد و از تشکیل دولت موقت جدیدی خبر داد که باید به ریاست عدلی منصور رئیس دادگاه قانون اساسی مصر تشکیل شود.

محمد مرسی در مقر گارد ریاست‌جمهوری مصر بازداشت شد و طرفداران او که در میدان رابعه العدویه تجمع کرده بودند، اعتراض خود را به این اقدام ارتش اعلام کردند. رهبران اخوان تأکید داشتند که به هیچ عنوان حاضر به پذیرفتن حکم نظامی‌ها و دولت موقت نیستند. بدین‌ترتیب مصر با دور تازه‌ای از تحولات سرنوشت‌ساز سیاسی در تاریخ خود مواجه شد. تحولاتی که روندها و تبعات آن همچنان ادامه دارد.

### جمع‌بندی

به‌طور کلی و براساس ارزیابی‌های موجود، می‌توان گفت که جماعت اخوان‌المسلمین بیش از آنکه از طرف مخالفان خود تهدید شده باشند، هزینه عملکرد اشتباهاتشان در عرصه سیاست را پرداختند.

رهبران اخوان المسلمین پس از ۸۰ سال تلاش و مبارزه، هنوز باور نداشتند که به قدرت رسیده‌اند و بر همین اساس دچار دور باطل شدند. این دور باطل باعث بیزاری بسیاری از مردم مصر از دولت محمد مرسی شد و در نهایت وارد شدن این دولت در ورطه‌های سیاسی به‌جای رسیدگی به مشکلات مهم مردم به‌ویژه مشکلات اقتصادی و معیشتی را به‌دنبال داشت.

از بُعد دیگر حدود نیمی از مردم مصر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و هنوز مشکلاتی مثل آب، نان، سوخت و غذا در این کشور به‌عنوان مشکلات اصلی و دغدغه‌های اجتماعی وجود دارد. مسئله‌ای که ظرف این دو سال به مشکلات مصر اضافه شد، موضوع کم شدن میزان ورود گردشگران خارجی بود. به‌دلیل این نابسامانی‌های سیاسی، گردشگری که بخش مهمی از درآمد ارزی مصر را تشکیل می‌داد، با افت قابل توجهی مواجه شده و این خود به کاهش درآمد و افزایش بیکاری در مصر منجر شده است.

در مجموع می‌توان مهمترین علل و عوامل سقوط مرسی را در موارد زیر بیان کرد:

- مشکل ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مصر و طولانی نبودن عمر دولت مدنی در ساختار سیاسی مصر.
- محبوبیت نسبی ارتش در جامعه مصر به‌دلیل ماهیت فراجنایی و ملی آن و همچنین نقش پررنگ آن در ساختار حکومتی مصر.
- مشکلات اقتصادی بسیار در مصر مانند عدم تراز تجاری مثبت، دخالت ارتش در اقتصاد، وابستگی به کمک‌های خارجی، بیکاری به‌دلیل تداوم نیافتن سرمایه‌گذاری خارجی و فرار توریست‌ها، فقر نیمی از مردم مصر.



- عمل نکردن مرسی به وعده‌های خود برای سروسامان دادن به اوضاع داخلی و حل بحران‌های سوخت، بیکاری و مشکلات شهری ظرف مدت صد روز.
- عدم توانایی مرسی در تشکیل دولتی معتدل با مشارکت همه جریان‌های سیاسی مصری و اهمیت دادن به ترجیحات جناحی و حزبی به جای تشخیص منافع ملی و مطالبات واقعی و اولویت‌دار مردم و انحصارطلبی اخوان‌المسلمین در حکومت.
- عدم صداقت اخوان‌المسلمین در عملکرد خود پس از پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه با معرفی نامزدهای انتخاباتی بیش از حد انتظار در مجلس ملی و به‌دست آوردن ۷۰ درصد کرسی‌های آن برخلاف قانون انتخابات مصر مبنی بر لزوم مستقل بودن یک‌سوم نمایندگان پارلمان.
- عمل نکردن اخوان‌المسلمین به وعده‌های خود مبنی بر عدم شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری با معرفی کردن دو نامزد خیرت‌الشاطر و محمد مرسی و وعده ارائه مدل خاص حکومتی با رعایت اصل مشارکت در قدرت پس از به قدرت رسیدن مرسی.
- عملکرد مرسی و اخوان‌المسلمین در همراهی با افراتیون سلفی و وهابی و دامن زدن به اختلافات دینی مصر مورد حمله قرار دادن قبطی‌ها و باز گذاشتن دست سلفی‌ها در خشونت اجتماعی به بهانه امر به معروف و نهی از منکر.
- واکنش‌های خشونت‌آمیز به حرکت مخالفان.
- همراهی با سیاست‌های رژیم صهیونیستی و استمرار رابطه با آن و تأیید همه معاهدات امضا شده با این رژیم به‌خصوص معاهده کمپ دیوید.

- اقدامات مخرب و گناه دور از انتظار مرسی از قبیل انتصاب نخست‌وزیری بی‌تجربه، تبعیت محض از دارالارشاد اخوان‌المسلمین و دخالت آن در مسائل امنیتی.

- تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی بدون حضور احزاب و جریان‌های شناخته شده مصری.

- درخواست صلاحیت‌های فراقانونی با صدور فرمان پنج ماده‌ای.

- تلاش مرسی برای تسلط اخوانی‌ها بر قوه قضائیه و انتخاب استانداران از میان اعضای اخوان‌المسلمین.

- عدم پاسخگویی به مطالبات جوانان انقلابی ۲۵ ژانویه و محدود کردن آنها و برخورد شدید امنیتی با آنها.

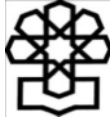
- تلاش برای کنترل رسانه‌ها و سرکوب آنها.

شرایط امروز مصر نشان می‌دهد مردم که انتظار بهبود سریع اوضاع را داشتند، از عملکرد یک‌ساله دولت مرسی ناراضی هستند، البته مشکلات اقتصادی و اجتماعی یک شبه ایجاد نشده‌اند و به سرعت هم برطرف نمی‌شوند و طبیعتاً حل این مسائل به سال‌ها برنامه‌ریزی، بودجه و نیروی انسانی نیاز دارد تا زیرساخت‌ها به مرور اصلاح شود، اما عملکرد اخوان‌المسلمین و به تبع آن محمد مرسی مجالی نداد تا مردم حتی اجازه این فرصت را به آنها بدهند. در نتیجه خواست مردم مصر برای تغییر شرایط زندگی و بهبود اوضاع منجر به بروز و شیوع اعتراضات عمومی شد که نهایتاً سرنگونی دولت محمد مرسی را در پی داشت.

در این جمع‌بندی باید به این نکته هم اشاره کرد که همه تقصیرها و ناکارآمدی‌ها را نباید بر گردن مرسی و دولت او انداخت. جریان‌های مخالف مرسی و بازماندگان



رژیم سابق که مراکز قدرت و ثروت متعددی را همچنان در اختیار داشتند، از عوامل مهم تنش‌اندازی در مسیر حرکت دولت مرسی به‌شمار می‌رفتند. این جریان‌ها مشکلات متعددی را برای دولت مرسی به‌وجود آوردند که جریان اخوان‌المسلمین در حل و فصل آن ناتوان بوده و از این‌رو، مردم مصر همه مشکلات را از چشم آنها می‌دیدند.



شماره مسلسل: ۱۳۱۲۴

مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سقوط اخوان المسلمین در مصر؛ ملاحظات تاریخی و نحوه عملکرد دولت مرسى

نام دفتر: مطالعات سیاسى (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: کریم جعفرى

ناظر علمى: مهدى امیرى

متقاضى: معاونت پژوهش‌هاى سیاسى - حقوقى

ویراستار: حسین صدرى‌نیا

واژه‌هاى کلیدى:

۱. مصر

۲. محمد مرسى

۳. اخوان المسلمین

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۵/۱۳